## آمازون «قهرمان» اصغر فرهادی را در آمریکا اکران می‌کند

آمازون استودیوز حق پخش فیلم جدید اصغر فرهادی یعنی «قهرمان» را خرید. به گزارش مهر و به نقل از ورایتی، آمازون با خرید امتیاز فیلم جدید اصغر فرهادی، آن را در آمریکا پخش می‌کند. قهرمان در شیراز ساخته‌شده و اکنون در مرحله پس از تولید است و آمازون قصد دارد اواخر سال و در فصل جوایز ۲۰۲۲ این فیلم را راهی سینماها کند.

## رونمایی از پوستر «گنج اژدها»

نخستین پوستر انگلیسی انیمیشن سینمایی «گنج اژدها» به کارگردانی اشکان رهگذر رونمایی شد. به گزارش جام جم، گنج اژدها، دومین انیمیشن سینمایی به کارگردانی اشکان رهگذر است که براساس قصه افسانه‌ای در حال تولید در استودیو هورخش با مشارکت میستیک هوس کاناداست. پیش تولید این انیمیشن که از اوایل سال ۱۳۹۹ آغاز شده است تا شش ماه دیگر ادامه دارد. پیش بینی می‌شود انیمیشن سینمایی گنج اژدها برای سال ۱۴۰۲ آماده نمایش شود.

# پای تخته سینما

## به مناسبت روز معلم، تغییر سیمای معلمان در فیلم‌های ایرانی را با ذکر چند مثال مرور کرده‌ایم

علی رستگار

سینما

تعارف که نداریم، چه بسیار شاگردان و دانش‌آموزان که معلمان عزیز و زحمتکش را به‌دلیل تکیه‌کلام‌ها و عادات و ویژگی‌های مختلف رفتاری سوژه کرده‌اند و انواع و اقسام بلاها را سرشان آورده‌اند و به ریش داشته و نداشته آنها چه در ظاهر و چه در خلوت و پنهان و زیرمیزی خندیده‌اند. چه کاریکاتورها که توسط بچه‌های باذوق کشیده و حین تدریس معلم پای تخته، در سراسر کلاس دست به دست شد. چه تقلب‌هایی که با غفلت‌ها و دور زدن معلم‌های نازنین به ثمر نشست و چه کارنامه‌ها که به این سبب زیر و رو شد. اتفاقا از آن طرف چه معلمان تیزهوشی که بارها در این زمینه به‌موقع و سربزنگاه‌ها مچگیری و تقلب‌های بسیاری را خنثی و از تغییر و تحولات غیرمنصفانه کارنامه‌ها جلوگیری کردند. چه دبیران هوشیاری که کاریکاتور چهره‌شان را کشف و ضبط و چهره خود دانش‌آموز کاریکاتوریست را با تنبیه به کاریکاتوری علنی و واقعی تبدیل می‌کردند. از تنبیهات برخی معلمان عزیز نسل‌های گذشته هم برایتان نگوییم که «چوب معلم گُله، هر کی نخوره حُله» را به شدیدترین شکل ممکن صرف می‌کردند. به جز مهر و محبت غالب معلمان عزیز و نقش انکارناپذیر آنها در انتقال دانش به نسل‌های مختلف دانش‌آموزان و انبوه خاطرات شیرین، از آنچه در بالا رفت هم کم نداشتیم که مجموع اینها جملگی حکایت از ظرفیتی جذاب و دراماتیک برای روایت‌های مختلف سینمایی و تلویزیونی دارد. سینمای ایران هرازگاهی و در مقاطع مختلف به اقتضای قصه به معلم‌ها پرداخته که اتفاقا برخی هم نمونه‌های قابل اعتنایی است؛ هرچند شاید هنوز جا داشته باشد قصه‌های جذاب دیگری در این فضای معلم- شاگردی روایت شود. نگاه سینمای ایران به معلم‌ها، تقریبا بسته به حال و هوای رایج فیلم‌های هر دوره تغییر کرده و پیش آمده است. معلم‌های سینمای فیلمفارسی و سینمای پیش از انقلاب، عمدتا یا تیپ بودند یا نقش‌هایی که بیش از این‌که شخصیتی ملموس و واقعی باشند، بیشتر به عنوان نمادهای مورد نظر فیلمسازان استفاده می‌شدند. در سال‌های دهه ۶۰ هم معلم‌ها معمولا نصایح حکیمانه مورد پسند سینمای دولتی را در دستور کار قرار می‌دادند. در سال‌های اخیر و به‌ویژه دهه ۹۰، با پیشتازی سینمای اجتماعی، معلم‌ها هم عمدتا سروشکلی واقعی‌تر و باورپذیرتر به خود گرفته‌اند و ارتباطشان با دانش‌آموزان تا حدودی با واقعیت پهلو می‌زند. البته این روند کلی است و استثنائاتی هم در این میان وجود دارد که ممکن است معلم یک فیلم دقیقا همپای واقعیت زمانه حرکت نکند و فیلمساز او را در کلاس مورد نظر خودش پای تخته نشانده باشد.

### آقای حکمتی

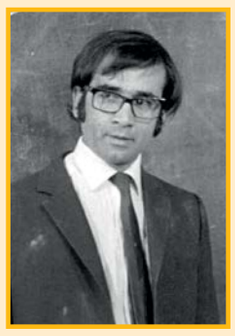

**بازیگر:** پرویز فنی‌زاده
**صداپیشه:** منوچهر اسماعیلی
**فیلم:** رگبار
**نویسنده و کارگردان:** بهرام بیضایی
**سال ساخت:** ۱۳۵۱
**مکث:** نمادپردازی مورد نظر بیضایی از همان نامگذاری شخصیت اصلی یعنی آقای حکمتی شروع می‌شود. با این‌که ظاهرا خود پرویز فنی‌زاده هم از عینکی شبیه عینک کاراکتر حکمتی استفاده می‌کرد اما احتمالا بیضایی هم چنین عینکی را برای شخصیت معلم طراحی کرده بود تا دانش و حکمت از چهره او هم مشخص باشد. با وجود بازی خوب و ماندگار فنی‌زاده و ماجراهای جذابی که در مدرسه و شیطنت دانش‌آموزان و عشق و عاشقگی ناکام با خواهر یکی از دانش‌آموزان برای حکمتی طراحی می‌شود اما همه اینها برای بیضایی بیشتر حکم نماد و استعاره از وضعیت موجود در سال‌های دهه ۵۰ را دارد.

### آقای موسوی

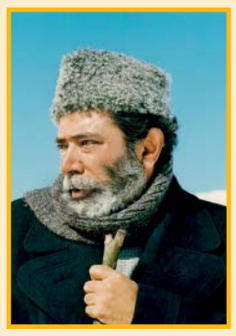

**بازیگر:** علی نصیریان
**فیلم:** جاده‌های سرد
**نویسنده و کارگردان:** مسعود جعفری جوزانی
**سال ساخت:** ۱۳۶۴
**مکث:** علی نصیریان در این فیلم نقش معلم یک روستا را بازی می‌کند که بیشتر از آن‌که او را در کلاس درس ببینیم، در عمل پای دانش‌آموزانش و اهالی محل می‌ایستد. آقای موسوی که بچه‌ها او را «آقامدیر» صدا می‌کنند، اینجا درس زندگی می‌دهد و بساط معلمی‌اش را در یک راه پر از سرما پهن می‌کند. اوست که به دانش‌آموزش برای رهایی از خطر و غلبه بر مصائب راه می‌گوید: «نترس روله! درخت باش. قامت راست کن. سرما را بزن زمین.»

### علی ناصری

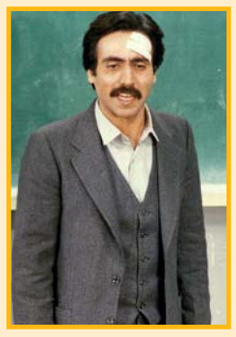

**بازیگر:** بیژن امکانیان
**صداپیشه:** خسرو خسروشاهی
**فیلم:** دبیرستان
**نویسنده:** حسین صفاری
**کارگردان:** اکبر صادقی
**سال ساخت:** ۱۳۶۵
**مکث:** معلم زیست‌شناسی این فیلم، یکی از تیپیکال‌ترین و مشهورترین معلم‌های تاریخ سینمای ایران است. علی ناصری که خودش زمانی گرفتار اعتیاد بود، دلش نمی‌خواهد دانش‌آموزانش هم این شرایط وحشتناک را تجربه کنند، برای همین وقتی با وضعیت غیرعادی یکی از شاگردانش، مسعود حسن‌پور (حمید طالقانی) روبه‌رو می‌شود و پی به گرفتاریش در ارتباط با موادمخدر می‌برد، آستین بالا می‌زند. یکی از ماندگارترین سکانس‌های این فیلم، آنجایی است که دانش‌آموزان بعد از تشر ناصری و خروج او از کلاس، سراغش می‌روند و پاکت سیگارها و فندک‌ها و کبریت‌هایشان را از جیب‌هایشان در می‌آورند و روی زمین می‌اندازند. خود ناصری هم که از روی عصبانیت، مشغول کشیدن سیگار است، آن را خاموش می‌کند.

### علی مرتضایی‌نسب

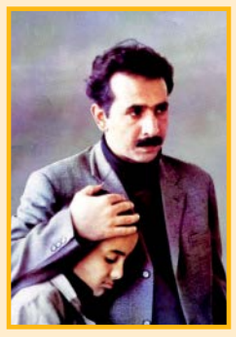

**بازیگر:** مجید مجیدی
**صداپیشه:** جلال مقامی
**فیلم:** شنا در زمستان
**نویسنده:** حسین خدایاری
**کارگردان:** محمد کاسبی
**سال ساخت:** ۱۳۶۸
**مکث:** اسم این فیلم و اسم خود معلم هم تا حدودی نشانی مقصود فیلمساز و حال و هوای قصه را می‌دهد و می‌توان به نماد و اشاره استعاره‌ای آن پی برد. قصه به دوران پیش از انقلاب و زمان شاهنشاهی می‌پردازد و فیلمساز به بحث آگاهی و بیداری مردم نظر دارد.
اینجا دانش‌آموزان نماد مردم هستند که با حضور یک معلم مهربان آگاه می‌شوند. هرچند حکومت این بیداری را تاب نمی‌آورد و تقابل علی مرتضایی‌نسب با ناظم خشن منجر به اخراجش می‌شود.

### عماد

**بازیگر:** شهاب حسینی
**فیلم:** فروشنده
**نویسنده و کارگردان:** اصغر فرهادی
**سال ساخت:** ۱۳۹۴
**مکث:** یکی از ملموس‌ترین و درست‌ترین معلم‌های سینمای ایران را در فیلم فروشنده می‌بینیم. با این‌که مهم‌ترین اتفاق فیلم در خانه عماد و رعنا می‌افتد و آنها را بیشتر به عنوان یک زوج هنرمند تئاتری می‌بینیم که مشغول تمرین و نمایش نمایشنامه «مرگ فروشنده» نوشته آرتور میلر هستند، اما شغل معلمی عماد هم نقشی موثر و دراماتیک در قصه دارد و برخی حرف‌های مهم فیلم که در دیگر فضاهای گفتمانی جایی برای ارائه نداشتند، اینجا در جای درستی خرج می‌شوند. فضای کلاس درس به فضای کلاس‌های واقعی نزدیک است و بچه‌ها چهره و گفتار و رفتاری آشنا دارند. حتی روش تدریس خلاقانه معلم ادبیات هم که از نمایشنامه «گاو» و از ساعدی حرف می‌زند و فیلم مهرجویی را در کلاس پخش می‌کند، اجرای دقیقی دارند. آن سوال و جواب «واقعا یه آدم چه‌جوری گاو میشه؟» و «به مرور» و حضور یکی از دانش‌آموزان در تاکسی، از جمله نقطه‌گذاری‌های فیلمساز برای رخدادهای بعدی هستند.

### سامان

**بازیگر:** جواد عزتی
**فیلم:** خورشید
**نویسندگان:** مجید مجیدی و نیما جاویدی
**کارگردان:** مجید مجیدی
**سال ساخت:** ۱۳۹۸
**مکث:** مجید مجیدی که سال‌ها پیش و در زمان بازیگریش، نقش یک معلم خوب و مهربان و همراه با بچه‌ها را در «شنا در زمستان» بازی کرده بود، همین حس و حال و ویژگی‌ها را در شخصیت معلمی به نام سامان در آخرین ساخته سینمایی‌اش، «خورشید» هم لحاظ کرد، ولی دیگر خبری از آن فضا و برخی ویژگی‌های اغراق شده و تیپیکال دهه ۶۰ نبود، چه در متن و چه در بازی. اینجا، جواد عزتی را داشتیم که نقش یک معلم همدل و همراه در مدرسه بچه‌های کار را بازی می‌کرد. کار سخت عزتی در بازیگری این بود که نباید به عنوان یک ستاره مقابل نابازیگران و بازیگران تازه وارد و کم سن و سال، پرزرق و برق به نظر می‌رسید. او این کار را به بهترین شکل انجام داد و همراهی‌اش با بچه‌ها در قصه، در بازیگری هم وجود داشت. آن آموزش «کله زدن» (با پیشانی به صورت دیگری زدن) توسط علی در جایی از فیلم به درست‌ترین شکل توسط معلم خرج می‌شود. به طرز بانمکی، این بار شاهد یک آموزش بالعکس هستیم. به جز این بدآموزی، نقش عزتی در نگاهی فرامتنی، از نظر همدلی و همراهی با بچه‌ها می‌تواند به عنوان الگوی معلمان چنین مدارسی هم درنظر گرفته شود.

> نگاه سینمای ایران به معلم‌ها، تقریبا بسته به حال و هوای رایج فیلم‌های هر دوره تغییر کرده و پیش آمده است. معلم‌های سینمای فیلمفارسی و سینمای پیش از انقلاب، عمدتا یا تیپ بودند یا نقش‌هایی که بیش از این‌که شخصیتی ملموس و واقعی باشند، بیشتر به عنوان نمادهای مورد نظر فیلمسازان استفاده می‌شدند

ضمایر [او]

## آیین نکوداشت اشکان منصوری برگزار شد

آیین نکوداشت یاد و خاطره زنده‌یاد اشکان منصوری با حضور جمعی از همکاران این خبرنگار و بازیگر سینما در فضای باز بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد.

ابتدای این مراسم پس از تلاوت قرآن و ذکر مصیبت توسط مرتضی یراق‌بافان، مژده لواسانی مجری برنامه به خانواده اشکان‌منصوری، دوستان و همکاران حاضر در این مراسم، دنبال‌کنندگان برنامه از فضای مجازی و همه سوگواران تسلیت گفت.

علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی مرحوم منصوری گفت: «اشکان در زمره خبرنگاران و هنرمندانی بود که به خوشنامی شهره بود. هر کس در کار حرفه‌ای خودش موفقیت‌هایی دارد. هم در کار خبر و رسانه و هم در کار هنر، که هر دو موفقیت را خوشبختانه داشت و حیف که چه زود و چه ناباورانه از میان ما و از جمع خانواده عزیزش پرکشید و رفت. اما اخلاق نیکو، هوش فرهنگی‌اش، ادب و متانتش، من و خیلی از افراد دیگر را به عنوان کسانی که مصاحبه‌شونده‌های او بودیم، بر آن می‌داشت که با صبر و حوصله و تأنی به پرسش‌های او پاسخ دهیم.

حقیقتا در کار حرفه‌ای خودش یك نمونه و آدم بسیار بااخلاق و نیکو بود. امیدوارم همه حرف‌هایی که خیلی از دوستانش، هنرمندان و اهالی رسانه درباره شخصیت او زدند که گزافه نبود و واقعیت بود، در دنیای باقی دست او را بگیرد.»

تابش ادامه داد: «در طرح «نذر رفاقت» هر کس به وسع خودش به یاد اشکان عزیز مشارکت کند تا ثوابش به روح ایشان برسد. من هم از طرف سازمان سینمایی، همکارانم در بنیاد سینمایی فارابی و سایر موسسات و نهادها سینمایی یك‌بار دیگر این مصیبت بزرگ را به خانواده عزیز منصوری و همکارانش تسلیت عرض می‌کنم.»

در ادامه مژده لواسانی با تأکید بر برنامه نذر رفاقت اعلام کرد: «این برنامه توسط دوستان مرحوم اشکان منصوری گرانقدر در فضای مجازی راه افتاده و قرار است پولی که در این طرح جمع‌آوری می‌شود، در شب بیست و یکم ماه رمضان، در قالب بسته‌های ارزاق برای نیازمندان تهیه شود و ان‌شاءا... ثواب این حرکت به روح مرحوم اشکان منصوری برسد.»

سیدامیر سیدزاده، تهیه‌کننده سینمای ایران نیزگفت: «اشکان از جوان‌هایی بود که در عین سادگی و پاکی و خلوص، در عین تعهد و ایمان و باور به اعتقاداتی که امروز متاسفانه جامعه ما کم دارد، به این شکوفایی رسیده و به ثمر نشسته بود. بارها وقتی با او صحبت می‌کردم، به من می‌گفت من در سینمای ایران یك قله را ترسیم کرده‌ام و بالاخره روزی به آنجا می‌رسم و این را از روی تظاهر و ریا نمی‌گفت. از روی صداقت و پاکی می‌گفت، از روی حسن انجام اموری که شما با چشم در او می‌دیدید و این در کنار وابستگی‌اش به اهل بیت و علاقه‌اش به امام حسین (ع) ارزشمند بود.

## ...وم!

...یم نوشته بودند که لطفا خوش‌خط ...که چاپچی‌ها بتوانند بخوانند. پس ...مجله توفیق آشنا شدم. توفیق، ...فکاهی و سیاسی بود که مدیر ...چند بار عوض شده بود. آخرین بار ...وفیق مدیر مجله شد. ۵۰سالگی ...هم در خارج از ایران جشن گرفت ...م خودش از دنیا رفت. این روزنامه ...عنوان همکار افتخاری و جزو هیات ...خارج از دفتر به شمار می‌آورد و برای ...بسیار شیرین بود.

***...هرا با جلال آل‌احمد هم در همین ...ای معلمی در کرمانشاه آشنا شدید؟***

...آمد قصرشیرین. او را می‌شناختم. ...سلام و علیک کردم. رفیق شدیم. ...آمد کرمانشاه و در کرمانشاه با هم ...یم چیزی بخوریم. پله پله بود. آنجا ...خوردیم.

...م رفتیم منزل ما. جلال عادت ...فتن نداشت. اگر دچار عارضه‌ای ...ه طور سنتی خودش را دوا می‌کرد. ...مش ناراحت بود خودش دست به ...د. من او را پیش دکتر ساعدی بردم ...شاه.

***...عدی مگر در کرمانشاه بود؟***

...محسین ساعدی را می‌گویم. دکتر ...ساعدی. ما با ایشان بسیار دوست ...خیلی مهربان بود. خانه‌ای اجاره ...در کرمانشاه.

...ت گذاشته بود آنجا. بیمارها را آنجا ...ن می‌کرد هم نگهداری می‌کرد برای ...ی. خوب که می‌شدند راهی‌شان

***...عدی تبریزی بود؛ برای طبابت چرا به ...اه آمده بود؟***

...ی اکبر ساعدی آن روزگارها در ...رشیرین دوره سربازی را می‌گذراند. به او می‌گفتم ترک پارسی‌گوی. خیلی شیرین بود لهجه‌اش. حرف برای خیلی وقت پیش است و یادهای من منقطع ...ده است. سکته، حافظه من را در ...خته است.

***...احمد برای چه آمده بود کرمانشاه؟***

...ب دهی او را دعوت کرده بودند. رفتیم ...ده جایی نیمرو بخوریم. تخم‌مرغ ...ه بودند توی ماهی‌تابه. آل‌احمد ...فت تخم‌مرغ را اووِر کن. منظورش ...که پشت و رو بکن. طرف متوجه ...احمد حالیش کرد. من با شمس ...هم دوست بودم. شمس معتقد ...راکشته‌اند.

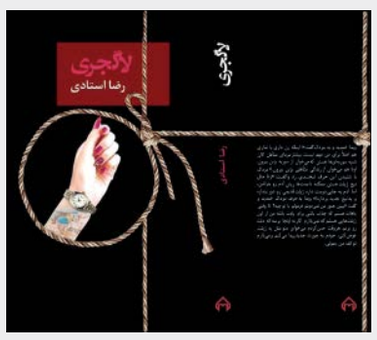

این کتاب بعد از رمان‌های بدون تو غیرممکن بود، هیچ‌وقت نامزد نبودیم و حمام تُرکی و مجموعه‌داستان خونه خالی، پنجمین اثر داستانی نویسنده آن محسوب می‌شود. کتاب در فاصله سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ نوشته و توسط نشر سخن به بازار عرضه شده است.

خبر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## امام علی(ع) راه ارتباط با قرآن را به ما می‌آموزد

مراسم افتتاحیه نخستین نمایشگاه مجازی قرآن کریم، ظهر شنبه، ۱۱اردیبهشت با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در محل این وزارتخانه برگزار شد.

در بخشی از این مراسم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تقارن نخستین نمایشگاه مجازی قرآن کریم با دو اتفاق شب‌های قدر و ایام ضربت خوردن حضرت علی(ع) را دارای معنایی خاص عنوان کرد و گفت: شب قدر به عنوان شب نزول قرآن، جوهر شرافت و کرامت این شب است. امام علی(ع) فرزانه‌ای است که پا به پا تا پایان حیات و به‌ویژه در ۲۳ سال ایام بعثت با قرآن حرکت کرد و با قرآن بود و با قرآن زیست.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که علی(ع) از آغاز تا پایان وحی با قرآن بود، تصریح کرد: به همین دلیل به نظر می‌رسد تصویری که امام‌علی(ع) از قرآن دارد، به ما کمک می‌کند چگونه به قرآن نگاه کنیم و نیز آنچه علی(ع) در نسبت به قرآن از مسلمانان می‌خواهد به ما کمک چگونه با قرآن تعامل داشته باشیم. در نهج‌البلاغه و کلمات مختلف امام علی(ع) تصویر و تفسیر خاصی از قرآن وجود دارد. اگر می‌خواهید ببینید قرآن در کدام جایگاه قرار دارد، مفسر این منزلت و مبین این مرتبت علی(ع) است.

صالحی با تأکید بر این‌که کارهایی که در فضای فعالیت‌های قرآنی اتفاق می‌افتد باید در مسیر نگاه امام علی(ع) حرکت کند، تصریح کرد: این فعالیت‌ها باید تصویر قرآن را به‌خوبی به جامعه منتقل کند و نوع ارتباط ما با قرآن را با محبت‌افزایی، فهم‌افزایی، تلاوت احسن، حل مساله با معارف قرآنی و عمل به معارف قرآنی نهادینه کند و در این مسیر ما را پیش ببرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: نمایشگاه قرآن کریم سنت سالانه‌ای بود که البته سال قبل به دلیل شرایط خاص توفیق برگزاری نبود اما امسال در فضای جدیدی در ۱۰روز آینده تا پایان ماه رمضان برپا خواهد بود. اتفاقی که رقم خورده می‌تواند زمینه را برای ترویج آن نوع نگاهی که امام علی(ع) به ما عرضه کرده و آموخته است، فراهم کند. امیدوارم ما بتوانیم از طریق این فضا، شرایط تعلم و تفقه و شرایط گسترش محبت قرآنی و عمل قرآنی را افزایش دهیم.

وی افزود: نمایشگاه کتاب تهران تجربه مقدماتی برای این کار بود که با گام‌های بعدی توسعه پیدا خواهد کرد. در نمایشگاه کتاب متوجه پاره‌ای از مزیت‌های استفاده از فضای مجازی و دسترسی‌های وسیع‌تر جغرافیایی و... شدیم. اگر در نمایشگاه قرآن فاصله و زمان برگزاری هشت ساعت بود در نمایشگاه مجازی ۲۴ ساعته است. اگر در نمایشگاه حضوری فقط تهرانی‌ها می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند، در نمایشگاه مجازی تمام ایران می‌توانند از این نمایشگاه بهره‌مند شوند. امیدواریم نمایشگاه مجازی قرآن کریم فرصتی را برای نقطه تعالی و اعتلای جامعه ما، جامعه اسلامی و جامعه بشری برای نزدیک‌تر شدن به قرآن فراهم کند.